

[دلالت انما بر حصر 1](#_Toc92035530)

[مختار شیخ انصاری 1](#_Toc92035531)

[اشکال مرحوم آخوند 1](#_Toc92035532)

[بررسی کلام مرحوم آخوند 2](#_Toc92035533)

[مختار استاد 2](#_Toc92035534)

[بررسی کلام فخر رازی توسط مرحوم خویی 3](#_Toc92035535)

[اشکال نقضی مرحوم خویی به فخر 4](#_Toc92035536)

[جواب حلی مرحوم خویی 4](#_Toc92035537)

[بررسی یک مطلب از مرحوم خویی 5](#_Toc92035538)

[تکمیل جواب مرحوم خویی 5](#_Toc92035539)

[اشکال استاد به مرحوم خویی 6](#_Toc92035540)

**موضوع**: بررسی انما /مفهوم استثنا /مفاهیم

# دلالت انما بر حصر

## مختار شیخ انصاری

بحث در مورد کلمه انما بود. مرحوم آخوند فرمود: انما از ادات حصر است. بر خلاف مرحوم شیخ که فرمود دلالت انما بر حصر ثابت نیست. چرا که راه کشف معنا یا لا اقل استظهار، یا کثرت استعمال است که ما عکسش را یافتیم. زیرا انما خیلی اوقات حصر را نمی­فهماند و یا اینکه مراد آن را در لغت فارسی پیدا کنیم و ببینیم حصر تبادر می­کند یا نه. مرادف انما هم معلوم نیست. خیلی از کلمات در فارسی یا در لغت دیگری روشن نیست. لذا ایشان مدعی است که راه بسته است و نمی­توانیم بگوییم انما برای حصر است.

### اشکال مرحوم آخوند

مرحوم آخوند فرمود: یک راه سومی هم هست و آن تبادر نزد اهل لغت است. ما می­بینیم که اهل لغت از این کلمه حصر را می­فهمند. لازم نیست که ما خودمان اهل لغت باشیم. تبادر شخص همان طور که اماره حقیقت است همچنین تبادر عند اهل لسان اماره این است که عند اهل لسان ظهور دارد. دیگر نفرموده است که از کجا می­توانیم تبادر داشته باشیم. مثلا می­بینیم که انما را به جای الا می­آورند یا ترتب آثار حصر را مطرح می­کنند.

#### بررسی کلام مرحوم آخوند

مرحوم اخوند این مطلب را باز نکرده است. مرحوم شیخ می­تواند بفرماید که ما از کجا فهم آنها را بفهمیم؟ لغت هم که حجیت ندارد. اهل لغت که از تبادر خبر نمی­دهند. قول اهل لغت فقط بیان مورد استعمال است. شک هم داشته باشیم کافی است.

شاید در ذهنش این بوده است که از ترتیب اثار حصر و استعمال انما به جای الا این مطلب را فرموده است. ما باید یک مطالبی در این راستا ضمیمه کنیم.

#### مختار استاد

ما به تبادر اهل لسان تمسک نمی­کنیم تا اشکال کشف آن مطرح شود. ما خودمان اهل لسان هستیم. در اثر ممارست با کلمات عربی ما هم یک استظهاراتی پیدا کردیم. شاید بعضی اوقات استظهار ما بهتر باشد. شخصی که تازه فارسی یاد می­گیرد دقت می­کند و چه بسا استظهار بهتری داشته باشد. خود شیخ انصاری بعضی اوقات از آیات و روایات استظهار می­کند و دقت در کلام آنها دارد و خود عوام الناس عرب این نکات را متوجه نمی­شوند.

این که شیخ انصاری می­گویند ما مرادف را نمی­دانیم، نمیفهمیم چه می­فرماید. ما خودمان فردی از عرب هستیم. از تبادر خودمان کشف می­شود.

این که مرحوم شیخ فرمود خیلی اوقات انما در غیر حصر استفاده شده است، به نظرم اشتباه حصر اضافی به عدم حصر است. شما آیات و روایات را لحاظ کنید و انما را احصا کنید. ما چند موردی پیدا کردیم. انما در آیات و رویات در مقام حصر استعمال شده است. به جای الا استعمال شده است. مثلا یک جا فرموده است: انما الحیوة الدنیا لعب و لهو. در جای دیگر فرموده است: و ما الحیوة الدنیا الا لعب و لهو. به نظرم خلط بین حصر اضافی و عدم الحصر شده است.

نتیجه: ظاهر از جمله مشتمل بر انما این است که می­خواهد حصر را بفهماند.

### بررسی کلام فخر رازی توسط مرحوم خویی

در آیه انما ولیکم الله و رسوله و الذین یقیمون الصلاة .... انما دلالت بر حصر می­کند و ولیّ منحصر در خدا و پیامبر و کسی که در نماز صدقه داده که حضرت امیر المومنین است. شیعه و سنی قائل است که این قضیه تاریخی اتفاق افتاده و این آیه اشاره به آن دارد.

فخر رازی گفته است که انما دلالت بر حصر ندارد. هر چند بعضی از آن ها حرفهای پرتی زدند. مثلا بعضی گفته اند که آیه دال بر محبت است. یا این که ذیل آیه فرموده است: و هم راکعون معنایش رکوع اصطلاحی نیست بلکه منظور خاضع است و عمومیت دارد. هر کسی که در عبادت و بندگی صدقه می­دهد. فخر رازی اجلّ از این حرف ها است. ایشان گفته است انما حصر را نمی­فهماند و بقیه خلفا را نفی نمی­کند.

بیان مطلب: فخر رازی گفته است: دو آیه در مورد دنیا است. ﴿إِنَّما مَثَلُ الْحَياةِ الدُّنْيا كَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعامُ حَتَّى إِذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَيْها أَتاها أَمْرُنا لَيْلاً أَوْ نَهاراً فَجَعَلْناها حَصيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُون ﴾َ

مثل دنیا آب بارانی است که جریان می­دهیم و بعد گیاه سبز می­شود بعد میوه می­دهد .... ولی ما ممکن است یک شب آنها را نابود کنیم. مثل دنیا این است که شخص فکر می­کند کسی است در حالی که ما میتوانیم همه چیز را بگیریم.

در آیه دیگر همین انما آمده است و مثالی دیگر مطرح می­کند. ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زينَةٌ وَ تَفاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكاثُرٌ فِي الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَباتُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطاماً وَ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ شَديدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٌ وَ مَا الْحَياةُ الدُّنْيا إِلاَّ مَتاعُ الْغُرُور ﴾

این ایه مراتب را بیان می­کند ولی ایه قبل تخیل انسان را مطرح می­کند.

ایه دیگری هم مطرح کرده است﴿انما الحیوة الدنیا لهو و لعب﴾ البته تقریب ایشان غلط است. فخر گفته است: این آیه دلالت ندارد که لهو و لعب منحصر به دنیا است. لعب در آخرت هم هست. باید می­گفت که دنیا منحصر به لهو و لعب نیست بلکه دنیا مزرعه الاخره. پیامبران استفاده کردند و الا باید همه انسان ها از جمله پیامبران باید لاعبین باشد. ما تقریب را عوض کردیم. انما دلالت بر انحصار ندارد چرا که دنیا منحصر به لهو و لعو نیست بلکه مشتمل بر لهو و لعب است.

به نظر می­آید که فخر در صدد اشکال بوده و نمی­خواسته ادعای امامیه را قبول کند. در تفسیر کبیر مواردی یافت می­شود که انما را ظهور در حصر دانسته است و بعید است که این موارد به خاطر قرینه بوده باشد. حالا مهم نیست ما باید حرف فخر ذیل آیه انما ولیکم الله بررسی کنیم. بیشتر به خاطر فرمایش مرحوم خویی است که یک مطلب پیچیده­ای دارد.

#### اشکال نقضی مرحوم خویی به فخر

مرحوم خویی فرموده است ما در قران آیه﴿ما الحیوة الدنیا الا لهو و لعب﴾ داریم. در این جا الا استعمال شده است و باید حصر را برساند. اگر در این جا حصر فهمیده می­شود باید در ایه که انما داشت هم حصر فهمیده شود. اگر فخر بگوید در این جا که الا آمده است قرینه بر عدم حصر است ما می­گوییم انما الحیوة الدنیا قرینه داریم ولی در انما ولیکم الله نیست.

یک جواب دیگری فرموده است که در سوره مبارکه حدید واعلموا انما .... أنّما است نه إنّما. البته ما این جواب را قبول ندایم و بررسی می­کنیم.

#### جواب حلی مرحوم خویی

بیان ایشان مقداری پیچیده است. مرحوم خویی فرموده است:حیوة الدنیا دو گونه استعمال می­شود:

1. ممکن است حیاة اضافه به دنیا شود که در این صورت در مقابل حیات اخرت است و کاری به دنائت ان ندارد. در بعضی از آیات هم آمده است الا حیاة الدنیا نموت و نحی. جهت گذرا بودن را مطرح می­کند. دقت کنید: هر چند که حیاتنا الدنیا صفت است ولی صفت اصولی که می­خواهد دنیا را توصیف کنید نیست. نمی­خواهد بگوید حیاتی که پست است.
2. ممکن است دنیا وصف حیات باشد.این هم دو قسم است.
   1. گاهی اوقات در مقابل حیات اخرت است. هر چند که به ظاهر وصف اخذ شده است ولی جهت دنائت را نمی­خواهد برساند. می­خواهد بگوید: حیات دنیا گذرا و حیات آخرت دائم است. حیات دنیا مکروهات دارد ولی حیات اخرت مکروهات ندارد. جهت وصفی مراد نیست.
   2. گاهی اوقات هم صفت ادبی است و در مقابل حیات اخرت نیست. این هم دو قسم است.
      1. گاهی اوقات حیث دنائت مد نظر است.
      2. گاهی اوقات حیث دنائت مد نظر نیست. یعنی به جهت دنیا بودنش مد نظر نیست. در مقابل آخرت هم نیست. حیات دنیا مزرعه اخرت است. نمی­خواهد بگوید که اخرت مزرعه نیست. در حیات دنیا می­تواند انسان کمک کند و مزرعه اخرت است و حیث دنی بودن مد نظر نیست.

مرحوم خویی فرموده است: ایه واعلموا.... یعنی حیات دنیایی که دنائت آن مد نظر است این گونه خصوصیات دارد. دنیا صفت حیات است و جهت دنائتش مد نظر است. در این جا دلالت بر حصر دارد و این گونه جواب از فخر رازی داده است. دنیای پس این گونه است اما دنیایی که پستی آن مد نظر نیست، مایه تکامل است. همین پست مایه تکامل است و دنائیت ان مد نظر نیست.

پس در آیه شریفه و ما الحیوة الدنیا الا لهو و لعب، اولا دنیا صفت حیات است و ثانیا حیات دنیا در مقابل حیات آخرت نیست وثالثا مراد از دنیا جهت دنائت است. با توجه به این سه مطلب دنیا لهو و لعب است. و حصر را می­فهماند و شاهدش این است در بعضی از موارد الا آورده است.

#### بررسی یک مطلب از مرحوم خویی

اما این که مرحوم خویی فرموده است و اعلموا أنّما .....است و در أنّما محل کلام است، صحیح نیست؛ چرا که در آیه دیگری به جای این تعبیر الا آمده است و حصر را می­فهماند پس معلوم می­شود که أنما حصر را می­فهماند. فرق بین أنّما و إنّما در تلفظ است. به نظرم در آیات، إنّما الحیوة الدنیا هم آمده است.

#### تکمیل جواب مرحوم خویی

فخر رازی به عنوان شاهد انما مثل الحیوة الدنیا کمثل ماء..آورد و مرحوم خویی به این مطلب متعرض نشده است. علی القاعده در آنجا هم باید بفرماید: ما که می­گوییم انما برای حصر است نمی­گوییم که محال است در غیر حصر استعمال بشود. این که در غیر حصر استعمال بشود، غلط نیست. در ایه شریفه انما مثل الحیوة الدنیا کمثل ماء می­گوییم ظاهرش حصر است اما اگر آیه دیگری آمد و در آن هم حصر کرد بین آنها جمع می­کنیم و می­گوییم مثلِ هر دو است و این که اول انما فرموده است مرادش نفی همه نیست و به خاطر آیه دیگر می­گوییم به خاطر قرینه انما در حصر استعمال نشده است.

اگر گفت انما زید مجتهد، بعد گفت انما زید متقی، جمع دارد. تنافی ظاهری دارد ولی عرف بین آنها جمع می­کند و می­گوید مراد متکلم به قرینه انما دوم حصر نیست.

این مطلب را از بیان مرحوم خویی در ذیل جواب نقضی می­توان استفاده کرد. در آنجا فرمود اشکالی ندارد که در غیر حصر استعمال شود.

##### اشکال استاد به مرحوم خویی

این که مرحوم خویی فرموده است: مقصود از آیه و اعلموا انما الحیوة الدنیا ....این است: دنیا از جهت دنائت فقط لهو و لعب است، صحیح نیست چرا که این معنا خیلی دقیق است. می­توانیم بگوییم حصر ادعائی است. وقتی که معظم دنیا همین خصوصیت را دارد حصر ادعائی است. مثل لا صلاة لجار المسجد الا فی المسجد.